

Sino-Syrian Relations and Its Impact on Türkiye's Regional Power (2011-2021)

Masoud Akhavankazemi 

Associate Professor of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Razi University of Kermanshah. Iran, mak392@yahoo.com

Mobarakeh Sedaghati 

Graduated of International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran. Iran, shabnam.sedaghati1996@gmail.com

Tahereh Hasanpour

Graduated of International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran. Iran, taherehasanpor1382@gmail.com

Abstract

Purpose: The purpose of this article is to examine China-Syria relations and its impact on Turkey's regional power, and it tries to answer the question of how China-Syria relations in the years 2011 to 2021 have affected Turkey's regional power and interests.

Method: To answer the purpose of this research, explanatory-analytical method has been used.

Finding: The geopolitical position of Turkey in the region of West Asia, the Black Sea and the Mediterranean has placed this country in the center of an important geopolitical environment in the world. After the instabilities caused by the Arab uprisings in the region in 2011, Turkey took a power-oriented approach to strengthen its regional power to protect its position against threats and challenges. In the meantime, the Syrian crisis has become a conflict between the interests of China and Turkey in the region, and China's support for the Syrian government has affected Turkey's regional power. In response and using the explanatory-analytical research method, the hypothesis of the article is that "China-Syria relations through China's political support to Bashar al-Assad and the establishment of economic and trade relations with this country have affected Turkey's regional power at this point and It has weakened it".

Conclusion: The findings of the research show that the establishment of political-economic relations between China and Syria and this country's support for Bashar al-Assad's government and Beijing's support for anti-terrorist operations in the region are in conflict with the interests of Turkey's regional power and have weakened this country's power-oriented approach in the region.

Keywords: Türkiye, China, Syria, Regional Power, Aggressive Realism.

Article type: Research

* Received on 21 December, 2022 Accepted on 21 June, 2023

Cite this article: Bagheri, Akhavankazemi, Sedaghati & Hasanpour (2024) Sino-Syrian Relations and Its Impact on Türkiye's Regional Power (2011-2021), Winter 2024, Vol.12, NO.4, 1-23.

DOI: 10.30479/psiw.2023.18212.3187


© The Author(s).




Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Mobarakeh Sedaghati(sedaghati1996@gmail.com)

روابط چین و سوریه و تأثیر آن بر قدرت منطقه‌ای ترکیه (۲۰۲۱-۲۰۱۱)

مسعود اخوان کاظمی 

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، mak392@yahoo.com

مبارکه صدیقتی 

کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، shabnam.sedaghati1996@gmail.com

طاهره حسن پور

کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، taherehasanpor1382@gmail.com

چکیده

هدف: این مقاله بررسی روابط چین و سوریه و تأثیر آن بر قدرت منطقه‌ای ترکیه است و تلاش دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که روابط چین و سوریه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱، چگونه بر منافع و قدرت منطقه‌ای ترکیه تأثیر گذاشته است؟

روش: برای پاسخ به هدف این پژوهش از روش تبیینی-تحلیلی استفاده شده است.

یافته‌ها: جایگاه ژئوپلیتیک ترکیه در منطقه غرب آسیا دریای سیاه و مدیترانه، این کشور را در مرکز یک محیط ژئوپلیتیک مهم در جهان قرار داده است. ترکیه بعد از بی ثباتی‌های ناشی از قیام‌های عربی در منطقه در سال ۲۰۱۱، برای حفظ جایگاه خود در برابر تهدیدها و چالش‌ها، رویکردی قدرت محور در جهت تقویت قدرت منطقه‌ای خود در پیش گرفت. در این میان، بحران سوریه به محل تضاد منافع چین و ترکیه در منطقه تبدیل گردیده و حمایت چین از دولت سوریه، قدرت منطقه‌ای ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. در پاسخ و با استفاده از روش پژوهش تبیینی-تحلیلی، فرضیه مقاله این است که «روابط چین و سوریه از طریق حمایت سیاسی چین از بشار اسد و برقراری روابط اقتصادی و تجاری با این کشور، بر قدرت منطقه‌ای ترکیه در این مقطع، تأثیر گذاشته و موجب تضعیف آن شده است».

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند برقراری روابط سیاسی-اقتصادی بین چین و سوریه و حمایت این کشور از دولت بشار اسد و حمایت پکن از عملیات ضد تروریستی در منطقه در تعارض با منافع قدرت منطقه‌ای ترکیه بوده و موجب تضعیف رویکرد قدرت محور این کشور در منطقه شده است.

واژگان کلیدی: ترکیه، چین، سوریه، قدرت منطقه‌ای، واقع‌گرایی تهاجمی.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۹/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۳/۳۱
استناد: اخوان کاظمی، صدیقتی و حسن پور (۱۴۰۲)، روابط چین و سوریه و تأثیر آن بر قدرت منطقه‌ای ترکیه (۲۰۲۱-۲۰۱۱)، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۴۸: ۱-۲۳.



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

۱. مقدمه

در دهه گذشته میلادی (بین سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱)، هم‌زمان با تحولات و رویدادهای منطقه غرب آسیا و یا خاورمیانه عربی، شاهد رقابت دولت‌های منطقه و قدرت‌طلبی آن‌ها از جمله ترکیه هستیم. جمهوری ترکیه هم‌زمان با شروع تحولات متعدد سیاسی در کشورهای منطقه، که بهار عربی نام گرفت، سعی کرد بازیگری اثرگذار در جهت چرخش تغییرات منطقه‌ای به نفع خود باشد. ترکیه به ویژه طی دهه گذشته در تحولات سوریه که به جنگ داخلی و بحران سوریه معروف است، ورود کرده و از بازیگران فرامنطقه‌ای و بین‌المللی مؤثر در بحران بوده است. تحولات دهه گذشته جهان عرب، تعارضات ایدئولوژیک و درگیری‌های فرقه‌ای را در منطقه پررنگ کرد و سبب شد تا بازیگران منطقه‌ای از جمله ترکیه به دنبال پرکردن خلاء قدرت ایجاد شده و ارتقای جایگاه منطقه‌ای‌شان باشند. سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه، از میانجی‌گری تا مداخله در نوسان بوده است. این کشور به منظور رهبری جهان اسلام در بعد منطقه‌ای (در چارچوب رویکرد نوعثمانی‌گری) به مقابله با کردها و حمایت از مخالفان دولت بشار اسد در سوریه پرداخته است.

جمهوری خلق چین یکی از بازیگران قدرتمند نظام بین‌المللی، عضو دائم شورای امنیت و کشوری پراهمیت در معادلات اقتصادی و سیاسی جهان است که پس از استراتژی سیاست خارجی کم‌هياهو در دهه ۱۹۸۰ میلادی، سرانجام تصمیم گرفت نقش فعال‌تری را در تحولات جهان بر عهده بگیرد. منطقه خاورمیانه یکی از مراکز بزرگ تحولات جهانی در دهه گذشته بوده و چین حضور خود به‌عنوان میانجی‌گر در حل منازعات خاورمیانه را در دستور کار قرار داده که البته در تعارض با منافع برخی کشورها از جمله ترکیه بوده است. چین پس از تحولات سوریه، علی‌رغم عدم دخالت نظامی در جنگ داخلی این کشور، با کشورهای حامی بشار اسد از جمله ایران و روسیه همراه شد و در مقابل کشورهای مخالف دولت بشار اسد، از جمله آمریکا و ترکیه قرار گرفت.

سؤال این پژوهش این است که روابط چین و سوریه طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱، چگونه بر منافع و قدرت منطقه‌ای ترکیه تأثیر گذاشته است؟ فرضیه‌ای که به‌عنوان پاسخ برای این پرسش در نظر گرفته شده، این است که روابط چین و سوریه از طریق حمایت سیاسی چین از بشار اسد و گسترش روابط اقتصادی و تجاری با سوریه، بر قدرت منطقه‌ای ترکیه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱، تأثیر گذاشته و موجب تضعیف آن شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در این قسمت به بررسی بخشی از مقالات مرتبط با موضوع پژوهش اشاره شده است. کریستینا لین^۱ (۲۰۱۵) در مقاله «ژنرال چینی: اویغورهای ضد چینی در نیروهای ضد اسد سوریه حضور دارند» معتقد است که داعش در سوریه تبدیل به یک مسئله داغ و مهم در روابط ترکیه و چین شده است. ترکیه سعی داشته تا یک رژیم اسلامگرای سنی با حمایت از گروههای مخالف اسد از جمله جدایی طلبان اویغور در سوریه روی کار بیاورد. اردوغان در حال عبور از خط قرمز چین در زمینه جدایی طلبان اویغور است.

مقاله «چشم انداز استراتژیک ترکیه در سوریه» اومر تاشپینار^۲ ۲۰۱۲ نیز اهمیت ویژه‌ای درباره مطالعه بحران سوریه دارد. در این مقاله ادعا شده که ترکیه بر خلاف دهه‌های گذشته به یک بازیگر بسیار فعال و مهم در منطقه، تحت حکومت حزب عدالت و توسعه تبدیل شده و در بحران‌های منطقه‌ای از جمله بحران سوریه به دنبال ایفای نقشی فعال در زمینه کسب قدرت در جهت ارتقاء منافع خود در منطقه می‌باشد.

در مقاله «چین و ترکیه در بازسازی سوریه»^۳ ۲۰۲۱، گای برتون و نیلاس لیال، لوگان پولی^۳ به تنش‌های چین و ترکیه نسبت به بازسازی سوریه پرداخته‌اند. نویسندگان بر این باورند که سیاست‌های چین برای کسب قدرت برتر نظام بین‌المللی معارض با سیاست‌های قدرت طلبانه ترکیه در امر قدرت منطقه‌ای نسبت به حل چالش بحران در سوریه قرار گرفته است.

در مقاله «مرزهای سفت و سخت بین ترکیه و چین: آیا تحرک سیاسی امکان پذیر است» اثر ۲۰۲۱ تیلور و فرانسیس^۴، نویسندگان اختلافات چین و ترکیه در مورد مسلمان‌های ایغور و تأثیر اختلافات سیاسی بر روند روابط دیپلماتیک و تیره شدن روابط همکاری در آسیا بین دو کشور را، بررسی می‌کنند.

در مقاله «تحولات در روابط چین و ترکیه»^۵ ۲۰۲۰ نویسنده آن، یانگ چن^۵، تحولات گسترده‌ای را که بحران سوریه در روابط دو کشور ایجاد کرده، مورد بررسی قرار می‌دهد و ادعا دارد که بحران سوریه، ترکیه و چین را در مقابل هم قرار می‌دهد. این مقاله به لحاظ موضوعی نزدیک به این پژوهش است.

این پژوهش از منظر اینکه به ابعاد مختلف امنیتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی روابط چین و سوریه در بازه زمانی مشخص ده ساله از سال ۲۰۱۱ (آغاز بحران سوریه) تا ۲۰۲۱، پرداخته

1. Lin, Christina
2. Omer tashpinar (ömer taşpınar in turkish)
3. Guy Burton, Nicholas Lyall, Logan Paulley
4. ENg Guan leads Taylor & farancis
5. Yang chen

است کاری نو است و همچنین از جهت بررسی اثرات روابط دو کشور بر قدرت منطقه‌ای ترکیه، از نظر تئوری رئالیسم تهاجمی مرشایمر، جدید است. در این پژوهش نه تنها به ابعاد سیاسی و نظامی، بلکه بر وجوه اقتصادی و تجاری روابط چین و سوریه نیز پرداخته شده و اثرات آن بر منافع منطقه‌ای ترکیه نیز بررسی شده است.

۳. چهارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی

نخستین فرضی که جان مرشایمر از رئالیستهای تهاجمی در نظر می‌گیرد، این است که قدرت‌های بزرگ در عرصه نظام بین‌الملل خواستار کسب فرصتی مناسب جهت دستیابی به حداکثر قدرت نسبت به رقبای خود هستند و هدف نهایی هر یک از بازیگران از درگیری و نزاع با یکدیگر، هژمونی می‌باشد. دومین فرضیه‌ای که جان مرشایمر مطرح می‌کند، این است که وی دولت‌های بزرگ را دارای حدی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی می‌داند که می‌توانند به یکدیگر صدمه زده یا همدیگر را منهدم کنند (Classer 2010: 153). سومین فرضیه‌ای که مرشایمر از آن سخن می‌گوید در مورد نیات و اهداف دیگر دولت‌ها در نظام بین‌الملل می‌باشد. او خاطر نشان می‌کند که نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که بازیگران بین‌المللی از توانایی نظامی تهاجمی خود علیه دیگر دول استفاده نمی‌کنند. چهارمین فرضیه بر گرفته شده توسط مرشایمر این است که نخستین و اصلی‌ترین اهداف قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل، تضمین بقاست (Shipping 2010: 178).

همه دولت‌ها از محیط خارجی خود آگاه بوده و برای تضمین بقا در این محیط به رفتارهای استراتژیک مناسب دست می‌زنند. همچنین، آن‌ها به اولویت و رفتار دولت‌های دیگر توجه می‌کنند که این رفتارها چه تأثیری بر استراتژی آن‌ها برای بقا دارد. علاوه بر این، بازیگران بین‌المللی نه تنها به پیامدهای کوتاه مدت از رفتارهای استراتژیک توجه می‌کنند، بلکه نتایج بلند مدت حاصل از این کنش‌ها را هم در نظر می‌گیرند (Gideon 2010: 144). وی سپس به این نتیجه می‌رسد که انگیزه‌ای قوی، مهم و لازم برای رفتار و افکار تهاجم‌آمیز قدرت‌های بزرگ در قبال یکدیگر شکل می‌گیرد و این امر موجب ایجاد سه‌الگوی رفتاری در نظام بین‌الملل توسط بازیگران بین‌المللی می‌شود که عبارت است از: ترس، خودیاری، و قدرت. قدرت‌های بزرگ انرژی خود را برای رسیدن به چهار مقوله از عوامل قدرتیابی صرف می‌کنند که به شرح ذیل می‌باشند:

۱- دستیابی به هژمونی منطقه‌ای

۲- دستیابی به حداکثری از ثروت جهانی

۳- تجدید نظر طلبی و تغییر موازنه قدرت برای رسیدن به حداکثر قدرت

۴- برتری هسته‌ای (Lobell 2015 :18).

بعد از وقوع قیام‌های عربی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ترکیه درصدد افزایش قدرت منطقه‌ای خود از طریق تحقق رویای خلافت اسلامی (عثمانی‌گرایی) برآمد و تحولات منطقه را

برای ایجاد تأثیر گذاری بیشتر مورد توجه قرار داد. در این میان، بحران سوریه در منطقه آسیا و کشورهای حوزه این منطقه از اهمیت فراوانی برای ترکیه برخوردار بوده است. در این بحران، مواضع کشورها نسبت به دولت سوریه در دو دسته مخالف و موافق تقسیم می‌شوند. سیاست‌های اعلانی ترکیه در همسایگی سوریه، و مسئله کردها و ایجاد نقش مؤثر ترکیه در روند مناقشات منطقه‌ای و تلاش برای حفظ قدرت منطقه‌ای، ترکیه را در صف مخالفان دولت بشار اسد قرار داد. بازیگری چین در این منطقه با توجه با عدم توجه چین به مسائل داخلی کشورها و ایجاد روابط اقتصادی-تجاری و سیاسی، این کشور را در دسته موافقان دولت سوریه همراه با ایران و روسیه قرار داده است. لذا سوریه محل تعارض قدرت ما بین ترکیه و چین قرار گرفته است که با توجه به قدرت جهانی چین، ترکیه قادر به حفظ قدرت یا تحقق هژمونی منطقه‌ای خویش بر اساس سیاست‌های خود نیست و تعارض منافع دو کشور به تضعیف قدرت منطقه‌ای ترکیه منجر می‌شود. این مقاله با به کارگیری مفروض‌های نظریه رئالیسم تهاجمی جان مرشایمر در صدد تبیین چگونگی تأثیر روابط چین و سوریه بر قدرت منطقه‌ای ترکیه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ است. مدعی مقاله حاضر این است که بر اساس رویکردهای چهارچوب نظری و با فرضیه‌های در نظر گرفته شده برای محیط آنارشیک بین‌المللی که بر مبنای آن، دول موجود در جهت کسب افزایش قدرت خود و تأمین امنیت و بقای خود اقدام می‌کنند، موجب ایجاد تعارض منافع با دیگر دولتها می‌شوند. در این میان، کشور چین نیز با نقش قدرت جهانی خود و ایجاد رابطه مثبت اقتصادی و سیاسی با سوریه در منطقه، قدرت منطقه‌ای ترکیه را تحت تأثیر قرار داده و موجب تضعیف آن می‌شود.

۴. اثر گذاری روابط چین و سوریه بر منافع منطقه‌ای ترکیه (۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱)

در این بخش، تأثیری که روابط چین و سوریه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ بر منافع منطقه‌ای و امنیت ترکیه گذاشته‌اند، بررسی می‌گردد.

۴-۱. حمایت سیاسی چین از حاکمیت بشار اسد در تناقض با منافع منطقه‌ای ترکیه

حمایت گسترده چین از دولت بشار اسد نیز شاخص قدرتمندی از ظرفیت روبه رشد پکن برای پیش بینی قدرت آن در خاورمیانه است. با گسترش نفوذ پکن در منطقه خاورمیانه، سیاستگذاران چینی می‌توانند به مردم خود و جامعه بین‌المللی نشان دهند که چین در آستانه تبدیل شدن به یک ابر قدرت با دامنه ژئوپلیتیک جهانی است (Ramani, 2016: 25).

ترکیه در ادامه شروع بحران در سوریه تلاش کرد تا با پشتیبانی و حمایت از نیروهای مخالف بشار اسد، زمینه را برای سقوط رژیم اسد در سوریه فراهم کند. ترکیه تمام توان لجستیکی و حمایتی خود را در حوزه‌های نظامی، جغرافیایی، سیاسی، مالی به کار بست تا با استفاده از مرزهای زمینی وسیعی که با سوریه دارد، اوضاع را به ضرر بشار اسد و نیروهای دولتی سوریه

رقم بزنند. از اقدامات شاخص ترکیه در قبال تحولات جاری سوریه، میزبانی نشست‌های گروه‌های مخالف دولت بشار اسد بوده است. این اقدام نشانه آشکاری از سیاست مداخله جویانه به حساب می‌آید. اقدام دیگر این کشور پذیرش آوارگان سوری بود. ترکیه به دنبال شکل‌گیری دولتی با رویکرد سنی و اخوانی در سوریه است؛ به عبارت دیگر، ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای به دنبال آن است که کشورهایی همسو با اهداف و برنامه‌های این کشور در منطقه شکل بگیرند (خلیلی نژاد کشکوئی؛ دهشیار، ۱۳۹۶: ۱۱۶).

از ابتدای بحران سوریه، ترکیه سیاست غیردوستانه و حتی خصمانه ضد دولت دمشق را به نمایش گذاشته و نقش ترانزیت‌کننده تروریست‌های گروه داعش و سایر گروه‌های تروریستی از اقصی نقاط جهان به سوریه را به عهده گرفت و امروز یکی از علل پیچیدگی تحولات منطقه و اوجگیری قدرت تروریست‌ها ناشی از همین سیاست‌هاست (همان، ۱۲۰).

در تحولات ناشی از بهار عربی، ترکیه باید به محاسبات جدیدی درباره دوستان و دشمنان خود می‌رسید. دولت ترکیه به دنبال حفظ منافع خود است. دو موضوع برای ترکیه اهمیت زیادی داشت: رابطه با هر گروهی که بعداً در سوریه به قدرت برسد و مسئله کردها. آنکارا از اعطای خودمختاری فرهنگی یا منطقه‌ای به شکلی به کردهای سوریه و این که در میان مدت، این وضعیت باعث تحریک مطالبات مشابه از سوی کردهای ترکیه شود، بیم دارد. مسئله کردستان به حدی از منطقه‌ای شدن رسیده است که آنچه در یک کشور اتفاق می‌افتد می‌تواند واکنش‌های زنجیره‌ای را در کشورهای دیگر ایجاد کند (Balci, 2012).

اهمیت راهبردی سوریه برای ترکیه از این جهت است که ترکیه، سوریه را دروازه ورود به خاورمیانه عربی و مسیری در جهت ایجاد تغییر در موقعیت منطقه‌ای خود می‌بیند. هم‌زمان با در پیش گرفتن سیاست نوع‌ثمنانی‌گری، ترک‌ها به تحولات منطقه خاورمیانه نگاه ویژه داشته و از فرصت به وجود آمده استفاده کردند. ترکیه و آمریکا در جبهه مخالف اقداماتی را انجام دادند. ترکیه به مخالفان اسد اجازه داد در خاک این کشور فعالیت داشته و پایگاه‌هایی را برای آموزش نظامی آن‌ها فراهم کرد (عبادی، مولایی. ۱۳۹۸: ۱۰۳-۱۰۲). ده‌ها کشور در نشستی در استانبول که انتظار می‌رفت بر تشویق مخالفان سوریه برای اتحاد و جستجوی راه‌هایی برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان تحت محاصره تمرکز داشته باشد، فشار دیگری برای منزوی کردن رژیم سوریه انجام دادند. (The Associated Press, 2012).

با پشتیبانی چین از دولت بشار اسد در سوریه و اعمال عملیات‌های موفقیت‌آمیز علیه هر نیروی بی‌ثبات‌کننده در سوریه، و همکاری دولت بشار با چین در رابطه با مسائل امنیتی، چین توانسته است در سال‌های گذشته با متقاعد کردن افکار جامعه جهانی، گروهک ترکستان شرقی را تروریست نامیده و عملیاتی در جهت نابودی این گروهک به اجرا درآورد. ترکیه با حمایت از مخالفان دولت اسد و حمایت از گروه‌های ایغور در روابط مابین چین و سوریه، عمل مخالف

منافع منطقه‌ای چین را دنبال می‌کند که با توجه به روابط چین و سوریه از حیث ایجاد همکاری‌های مثبت و سازنده، پیش می‌رود. لذا در روابط ما بین چین و ترکیه، این امر موجب تأثیرپذیری این کشور از قدرت بالا دست چین در منطقه و تعارض منافع ترکیه با چین می‌شود.

۵. اثر وتوی چین در قطعنامه‌های ضدسوری بر قدرت منطقه‌ای ترکیه

از شروع بحران سوریه، چین در مواردی قطعنامه‌هایی که علیه رژیم بشار اسد بوده‌اند را وتو کرده است. محکومیت و تحریم علیه سوریه، توقف تمام طرف‌های درگیر، مهلت ده روزه برای اسد برای خروج نیروهای نظامی از مناطق پرجمعیت، دادگاه جنایی بین‌المللی در مورد پرونده سوریه، آتش‌بس ۷ روزه در حلب، اعمال تحریم‌ها علیه سوریه به دلیل استفاده از سلاح شیمیایی از جمله موضوعاتی بوده که توسط چین در شورای امنیت سازمان ملل وتو شده‌اند (یزدانی، اخوان، ۱۳۹۸: ۱۹۵).

بر اساس گزارش فوریه ۲۰۱۷ بی‌بی‌سی، روسیه و چین قطعنامه سازمان ملل برای اعمال تحریم‌ها علیه سوریه را به دلیل استفاده ادعایی از سلاح‌های شیمیایی وتو کردند. این هفتمین بار بوده است که روسیه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حمایت از دولت سوریه را وتو می‌کرد. چین همچنین شش قطعنامه شورای امنیت درباره سوریه را از زمان آغاز جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱ وتو کرده است. سوریه در سال ۲۰۱۳ بر اساس توافقی که بین روسیه و آمریکا انجام شد، موافقت کرد که سلاح‌های شیمیایی خود را نابود کند. این قطعنامه که توسط ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه تهیه شده بود، فروش هلیکوپتر به سوریه را ممنوع می‌کرد و ۱۱ فرمانده یا مقام سوری و ۱۰ گروه مرتبط با حملات شیمیایی را تحریم می‌کرد. سفیر چین در سازمان ملل گفت که پکن با استفاده از سلاح‌های شیمیایی مخالف است اما برای اعمال تحریم‌ها خیلی زود است زیرا تحقیقات هنوز ادامه دارد (BBC, 2017). چین قطعنامه سازمان ملل برای اعمال تحریم‌ها علیه سوریه را به دلیل استفاده ادعایی از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ شش‌ساله وتو کرد (The Guardian, 2017).

سوریه از حمایت دو قدرت بزرگ یعنی روسیه و چین بهره‌مند بوده که از حامیان اصول حاکمیت سوریه بودند. آنها معتقد بوده‌اند که تنها مردم سوریه می‌توانند درباره سرنوشت اسد تصمیم بگیرند و نقض حقوق بشر و فقدان مشروعیت نمی‌تواند به‌عنوان توجیهی برای مداخله باشد. چین و روسیه در چندین مورد، قطعنامه‌های شورای امنیت علیه سوریه را وتو کردند و مانع از تصویب تحریم سازمان ملل علیه دولت اسد شدند که از آن جمله می‌توان به پیش‌نویس قطع‌نامه ۴ اکتبر ۲۰۱۱ و پیش‌نویس قطع‌نامه ۴ فوریه ۲۰۱۲ اشاره کرد. همچنین وتوهای این دو کشور، تصمیم ناتو برای مداخله در سوریه را با مشکل مواجه می‌ساخت؛ چرا که اقدام به عملیات نظامی بدون مجوز سازمان ملل، مشروعیت اقدام ناتو را زیر سؤال می‌برد. سرایت بحران به ترکیه موجب نگرانی و از عوامل زمینه‌ساز اقدامات ناتو بود؛ چرا که ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو ۶۰۰

مایل مرز مشترک با سوریه داشت و در جریان بحران، از مخالفان دولت سوریه حمایت می‌کرد و پایگاه‌هایی را برای آموزش ارتش آزاد سوریه و مسلح کردن مخالفان فراهم کرد. در نهایت اقدامات ناتو، پس از مداخله نیز نتوانست آنگونه که باید به امنیت ترکیه در منطقه پیرامونی‌اش کمک کند (عبادی؛ مولایی، ۱۳۹۸: ۱۰۷-۱۰۶).

آنکارا همچنین میزبان شورای ملی سوریه و عامل پناه دادن به اعضای ارتش آزاد سوریه در خط مقدم و مجری تلاش‌ها برای پرورش مخالفان سوری بوده است. احمد داوود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه در مارس سال ۲۰۱۲ گفت:

«سرکوب مخالفان بشار اسد، نشانه‌های جنایات جنگی است و سرکوب خشونت‌آمیز او به شانس صلح از طریق مذاکره آسیب می‌زند. رژیم سوریه هر روز مرتکب جنایت علیه بشریت می‌شود. من این را به صراحت می‌گویم، پس از این کشتارها و جنایات فراوان که ویژگی جنایات جنگی دارد، رژیم سوریه همه درها را به روی گفتگو می‌بندد».

وزیر خارجه ترکیه کشتار در سوریه را با قتل عام در طول جنگ داخلی بوسنی در دهه ۱۹۹۰ مقایسه کرد و در شورای امنیت از سازمان ملل به دلیل عدم اتخاذ موضع قوی‌تر به خاطر وتوهای روسیه و چین انتقاد کرد.

«تصویر کنونی هر روز بیشتر و بیشتر شبیه سارایوو و سربرنیتسا است. متأسفانه فقدان اجماع جامعه جهانی باعث دلگرمی رژیم سوریه می‌شود.» (Toksabay, sezer. 2012).

نحوه رأی‌دهی چین به عنوان عضو دائم شورای امنیت درباره حکومت بشار اسد در سازمان ملل حکایت از حمایت پکن از سوریه در بحران دارد. برخلاف چین، ترکیه از مخالفان حکومت اسد به کشورهای حامی این حکومت انتقاد کرده و این اقدامات را برخلاف منافع امنیتی ترکیه در منطقه غرب آسیا قلمداد می‌کند. حتی پس از مداخله ناتو و حمایت ترکیه از ارتش آزاد سوریه بر علیه حکومت بشار اسد، ترکیه معتقد بود بر این که امنیت منطقه‌ای‌اش به خطر افتاده و با حمایت روسیه و چین از حکومت مستقر دمشق، مخالفت کرد.

۶. مسئله اویغورها و کردها در بحران سوریه؛ تعارض منافع و تنش‌های لفظی چین-آنکارا

در این بخش با دو متغیر تأثیر گذار اویغورها و کردها در بحران سوریه تنش‌های موجود میان ترکیه و چین را بررسی می‌کنیم. دو کشور در سالهای بحران سوریه، بارها یکدیگر را با کارت بازی کردها و اویغورها تحت حملات لفظی قرار داده‌اند. چین به دلیل اسناد و داده‌های ارائه شده توسط خود، ترکیه را حامی اویغورهای چینی می‌داند که در بحران سوریه علیه حکومت اسد به کار گرفته شده و در میدان نبرد تمرین می‌کنند. بدین خاطر، چین که اقدامات ترکیه علیه کردها در منطقه مرزی ترکیه و سوریه و در خاک سوریه توسط ارتش آزاد را رصد می‌کند، از آنکارا

خواستہ دست از حمایت و به کارگیری او یغورها بردارد تا مسئله کردها را در سطح جهانی علیہ ترکیہ پیگیری نکند.

۶-۱. مسئله کردها؛ کارت بازی پکن علیہ آنکارا

جمعیت زیادی از او یغورهای دپاسپورا در ترکیہ زندگی می کنند و احساسات ملی گرایانہ ترک بہ گروه قومی او یغور گسترش می یابد. در ہمین حال، چین بہ شدت نسبت بہ احساسات جدایی طلبانہ ناشی از او یغورها، از جمله توسل بہ ہویت قومی فراملی، حساس است. در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۱، ۴۳ کشور، از جمله ترکیہ، از چین خواستند تا «احترام کامل بہ حاکمیت قانون» را در مورد جامعہ مسلمان او یغور در سین کیانگ تضمین کند. این اولین بار بود کہ ترکیہ از چنین فراخوانی حمایت می کرد. این اقدام چین را تحریک کرد. این حادثہ چین را وادار کرد تا علیہ ترکیہ حرکت کند. گنگ شوانگ، معاون نمایندہ دائم چین در سازمان ملل، ترکیہ را بہ نقض حقوق بشر در سوریه متہم کرد. گنگ اقدامات ترکیہ در شمال شرق سوریه را غیرقانونی توصیف کرد و اعلام نمود کہ اگر آنکارا بہ انتقاد از چین در مورد موضوع او یغور ادامہ دہد، پکن اقدامات ترکیہ در عراق و سوریه را در دستور کار بین المللی قرار خواهد داد. بہ احتمال زیاد، با افزایش حضور چین در خاورمیانہ، پکن ممکن است بہ یک بازیگر مہم در مسئلہ کردها تبدیل شود (Akçay, 2021).

مواضع حمایتی چین نسبت بہ کردها با انگیزہ های مختلفی انجام می شود. اول، آنہا بہ عنوان اہرم فشاری علیہ ترکیہ استفادہ می شوند کہ ہنوز میزبان فعالان و سازمان های جدایی طلب او یغور است. از اواسط دہہ ۱۹۹۰، پکن بر آنکارا فشار می آورد تا از فعالیت های جدایی طلب او یغورها در قلمرو خود جلوگیری کند. پکن با آگاهی کامل از مسئلہ کردها در سیاست داخلی و سیاست خارجی ترکیہ، می تواند از روابط خود با کردها - کہ مدعی خاک ترکیہ هستند - استفادہ کند تا بازوی آنکارا را بیشتر بیچد. پکن از تشبیہ جدایی طلبی او یغورها و کردها استفادہ می کند و بہ طور ضمنی تہدید می کند کہ اگر آنکارا بہ حمایت از او یغورها ادامہ دہد، پکن از کردها حمایت خواهد کرد (Shichor, 2021).

لفاظی آشکار و صریح چین نسبت بہ مسئلہ کردها علیہ ترکیہ، آنکارا را در موضع فشار قرار خواهد داد. در سال های اخیر، ہمیشہ مسئلہ کردها وسیلہ حملہ بہ سیاست های منطقہ ای آنکارا بودہ است و حمایت چین از دولت اسد، ضمن لفاظی علیہ ترکیہ، منافع سیاسی و دیپلماتیک منطقہ ای ترکیہ را دچار اختلال کردہ است.

۶-۲. مسئله او یغورها، تنش ها و خطرات ناشی از آن در منافع منطقہ ای ترکیہ

در حالی کہ چین تا حد زیادی بہ سیاست خارجی غیر مداخلہ گرایانہ خود در رابطہ با درگیری سوریه پایبند مانده؛ اما همچنان بہ ایجاد روابط خود با اسد ادامہ دادہ است. از منظر امنیتی،

نگرانی‌های پکن عمدتاً از هجوم جنگجویان اویغور، از استان پرآشوب غربی سین کیانگ چین و از آسیای مرکزی به سوریه ناشی شده و این امر یک محرک اصلی در پشت تصمیم آن برای جانبداری از دمشق بوده است. بسیاری از اویغورها و شبه نظامیان احتمالی از طریق ترکیه به سوریه سفر کرده‌اند، که در طول تاریخ موضع حمایتی در قبال آرمان آنها داشته است. آنکارا حدود ۴۵۰۰۰ پناهجوی اویغور را پذیرفته است و تا همین اواخر یکی از معدود کشورهایی با اکثریت مسلمان بود که آشکارا از پکن به خاطر بازداشت اجباری اویغورها در آنچه که آن را «اردوگاه‌های بازآموزی» می‌خواند، انتقاد کرد (Akil, Shaar, 2021). دولت چین از سال ۲۰۱۲ ادعا کرده است که شبه‌نظامیان اویغور اهل سین کیانگ با شورشیان در سوریه علیه دولت بشار اسد می‌جنگند. در ۱ ژوئیه ۲۰۱۲، چین اعلام کرد که یک شبه نظامی اویغور که در استانبول تحصیل کرده و با ارتش آزاد سوریه در حلب جنگیده بود به سین کیانگ بازگشته و در حالی که قصد انجام «حملات خشونت آمیز» در چین را داشته، دستگیر شده است (Zenn, 2013).

محققان و متخصصان امور ترکیه معتقدند که ترکیه قصد دارد خانواده‌های اقلیت اویغور چینی ساکن آنجا را به مناطق تحت کنترل ترکیه در شمال شرق سوریه با هدف اعمال تغییرات جمعیتی در این منطقه منتقل کند. برنامه این است که به جهادگران اجازه داده شود از طریق پاسپورت‌های ترکیه، که آنکارا به آنها تحویل داده است، وارد سوریه شوند؛ زیرا سازمان اطلاعات ملی ترکیه و اتاق‌های عملیات وضعیت آنها را حل کرده‌اند. روسای جمهور ترکیه به این جهادگران تابعیت ترکیه اعطا کردند و تعدادی از آنها به دیاربکر منتقل شدند تا در آنجا اسکان داده شوند. ترکیه سخت در تلاش است تا مناطق سوری تحت کنترل خود را در سطح بین‌المللی مشروعیت بخشد (Npasyria, 2021).

در ارتباط با بحران سوریه، چین از افزایش تعداد شبه نظامیان اویغور چینی که به دولت اسلامی داعش پیوسته‌اند و با افراط‌گرایان در سوریه آموزش دیده‌اند، بسیار نگران است؛ چرا که آنها برای تغذیه جنبش‌های جهادی محلی به خانه بازمی‌گردند. پیوندهای ایجاد شده بین داعش و افراط‌گرایان اویغور، قبلاً بر امنیت داخلی چین تأثیر گذاشته و منجر به تکثیر تروریست‌ها در استان سین کیانگ و آسیای مرکزی شده است (Dreema 2015). همان‌طور که ژانگ چون شیان، دبیر حزب کمونیست سین کیانگ گفته است، داعش نفوذ بین‌المللی عظیمی دارد و سین کیانگ نمی‌تواند از آن دوری کند و ما قبلاً تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم (جیا، ۲۰۱۵). لی شائوسیان، معاون امنیتی دولت چین، هشدار داده که صدها یا هزاران اویغور از استان سین کیانگ در غرب این کشور با داعش در سوریه همراه هستند (Bachelor, 2016:71).

۷. اثر حمایت چین از عملیات ضد تروریستی در سوریه، بر قدرت منطقه‌ای ترکیه

رهبران چینی بدون تردید با مداخلات خارجی در امور داخلی سوریه مخالف هستند؛ بویژه اینکه این مداخلات به رهبری کشورهای غربی صورت پذیرد که البته با انگیزه

تغییر رژیم همراه است. چین در عملیات‌های نظامی مسکو و تهران در سوریه مشارکت نداشته؛ اما با رویکرد نظامی این دو کشور موافق بوده است. چین نه تنها منتقد استانداردهای دوگانه کشورهای غربی در مبارزه با تروریسم است، بلکه اقدامات نظامی مسکو را مبارزه بین‌المللی مشروع علیه تروریسم قلمداد می‌کند. به عبارت دیگر نوعی هماهنگی انتظارات در میان طرفین شکل گرفته است (فلاحی و شفیعی، ۱۳۹۸: ۱۶۷).

در این میان، ترکیه یک جت روسی را در امتداد مرز خود با سوریه سرنگون کرد و این نگرانی‌ها را از تشدید درگیری در منطقه دامن زد. رهبران ترکیه بارها روسیه را به نقض حریم هوایی این کشور و همچنین هدف قرار دادن غیرنظامیان در شمال سوریه متهم کرده‌اند. به گفته آنکارا، بسیاری از این غیرنظامیان بخشی از اقلیت سوریه به نام ترکمن هستند. وزارت خارجه ترکیه پس از یک رشته حملات هوایی در شمال سوریه که منجر به زخمی شدن ۴۰ تن از اقلیت قومی شد، سفیر روسیه را احضار کرد. همچنین، آنکارا از شورای امنیت سازمان ملل درخواست کرد تا به حملات علیه این گروه رسیدگی کند. ترکمن‌ها، جامعه‌ای که عمدتاً در کوه‌های استان لاذقیه در شمال سوریه مستقر هستند، با همسایه‌شان در شمال رابطه نزدیکی دارند. برای رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، ترکمن‌ها متحدان طبیعی هستند، نه تنها به دلیل میراث قومی خود، بلکه به این دلیل که دشمن مشابهی (به نام بشار اسد) دارند (Conradis, 2015).

سخنگوی وزارت خارجه چین در جریان ساقط کردن هواپیمای جنگی سوخو ۲۴ روسیه توسط ترکیه اعلام کرد که این هواپیما در حال انجام عملیات علیه تروریست‌ها بود که توسط ترکیه منهدم شد و از این عمل به‌عنوان «دهن‌کجی به مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم» یاد کرد (فلاحی و شفیعی، ۱۳۹۸: ۱۶۷). هوا چونیینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در یک نشست خبری در دسامبر ۲۰۱۵ گفت:

«عملیات ضد تروریستی روسیه در سوریه مطابق با قوانین بین‌المللی است و چین همیشه از آن حمایت کرده است. ما همیشه از تلاش‌های کشورهای مختلف از جمله روسیه برای تأمین امنیت بین‌المللی حمایت کرده‌ایم. در مورد حملات روسیه علیه سازمان‌های تروریستی در سوریه، ما نیز قبلاً حمایت خود را اعلام کرده‌ایم. چین از جامعه بین‌المللی خواست تا برای مبارزه با تروریسم، تشدید تماس‌ها و هماهنگی اقدامات تحت نظارت سازمان ملل متحد تلاش کند و این موضع با رویکرد طرف روسی هماهنگ است» (Tass, 2015).

۸. حمایت چین از عملیات نظامی روسیه در سوریه؛ در تعارض با منافع منطقه‌ای ترکیه

با حمایت چین از عملیات نظامی روسیه در سوریه، منافع منطقه‌ای ترکیه با تهدید و خطرات جدی مواجه شد. روسیه علت اصلی حضور خود در سوریه را مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی می‌داند؛ اما حجم تجهیزات نظامی روسیه در سوریه نشان می‌دهند که هدف‌های روسیه، هدف‌های

راهبردی و بلندمدت است. به‌عنوان مثال، روسیه در اکتبر ۲۰۱۶ دو زیر دریایی اتمی حامل موشک‌های بالدار با برد ۲۰۰۰ کیلومتر به آب‌های ساحلی سوریه فرستاد. همچنین سامانه موشکی اس ۳۰۰ از دیگر تجهیزات ارسالی روسیه به سوریه بود. از آنجا که تروریست‌ها نیروی دریایی و هوایی ندارند، آشکارا مشخص می‌شود که سامانه موشکی و زیردریایی برای هدف‌های دیگری غیر از مبارزه با تروریست‌هاست. از طرفی از طریق سوریه، پای روس‌ها به مدیترانه نیز باز شده است. روسیه و سوریه در سال ۲۰۱۷، قراردادی را امضا کردند که به موجب آن، قلمرو پایگاه دریایی روسیه در طرطوس گسترش خواهد یافت. دریای سیاه و مدیترانه به دلیل نزدیکی به روسیه و حضور گسترده ناتو در سواحل این دو دریا، اهمیت ژئوپلیتیکی و امنیتی زیادی برای روس‌ها دارند (حیدرزاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۳).

ترکیه به واسطه حضور نظامی روسیه و حمایت مسکو از دولت اسد، بیشترین ضرر را متحمل شد؛ زیرا به هیچ‌یک از اهداف از پیش تعیین شده خود در این کشور دست نیافت. حضور نظامی روسیه در سوریه موجب تغییر موازنه دولت به نفع دولت اسد شد و این امر، آنکارا را از هدف بلندپروازانه خود یعنی سرنگونی دولت اسد در سوریه دور کرد. حضور نظامی روسیه در سوریه موجب برهم خوردن طرح ترکیه در مورد ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه شد. همچنین موجب تضعیف قدرت و توان گروه‌های تروریستی وابسته به ترکیه مانند جبهه النصره و داعش شد. این حضور نظامی، باعث آسیب رساندن به تجارت پارسود نفتی ترکیه و داعش شد؛ زیرا جنگنده‌های روسیه بارها کامیون‌های حامل نفت داعش را که راهی ترکیه بودند، مورد هدف قرار دادند. حضور نظامی روسیه در سوریه موجب تضعیف قدرت ترکمن‌های سوریه شد. دولت ترکیه طی سال‌های اخیر تلاش کرده بود تا ترکمن‌های سوریه را متحد و آن‌ها را برای ایجاد ارتش ترکمن تسلیح کند تا از یک سو به مبارزه علیه دولت اسد و از سوی دیگر به نبرد با کردهای سوریه بپیوندد. حضور نظامی روس‌ها در سوریه، موقعیت کردهای سوریه را برجسته‌تر از قبل کرد و امکان ایجاد یک کریدور کردی را در منطقه به وجود آورد (همان، ۲۰۵).

روابط ترکیه و هیئت تحریر الشام^۱ بسته به تغییر در موضع تحریر الشام همراه با تحولات منطقه و در میدان نبرد در سوریه نوسان داشته است. آن‌ها همچنین به تغییر موضع ترکیه و اتحاد‌های آن با کشورهای غربی و روسیه به ویژه پس از حمایت ایالات متحده از نیروهای کرد در مبارزه با داعش، وابسته بوده‌اند اقدامی که ترکیه آن را به‌عنوان ائتلاف با دشمنانش تلقی می‌کند. شکست‌های تحمیل شده به داعش، تحریرالشام را به ارائه امتیازات قراردادی و نظامی از ترس مواجه شدن با سرنوشت مشابه واداشت. تحریرالشام به گشت‌های ترکیه اجازه ورود به مناطق تحت کنترل خود را داد و از نقاط دیده‌بانی ترکیه در شمال سوریه محافظت کرد؛ علی‌رغم اینکه قبلاً با حضور آنها مخالفت کرده بود. این هماهنگی نوپا به همکاری گسترده تبدیل شد و

1. HTS

تحریرالشام منحصراً عملیات لجستیکی و نظامی ترکیه در شمال را تسهیل می‌کرد. ترکیه نیاز به ارتباط با یک گروه مسلح با نظم و انضباط نظامی و سازمانی دارد که بتواند قلمرو مربوطه را کنترل کند و تابع هیچ قدرت خارجی نباشد (Al kanj, 2019).

در ماه می ۲۰۱۷، روند صلح آستانه ادلب را به عنوان منطقه کاهش تنش تعیین کرد. بر اساس این توافق، روسیه، ایران و ترکیه در امتداد خط مقدم ادلب، ۱۲ نقطه تحت نظارت ترکیه و ۱۰ نقطه دیگر توسط روسیه و ۷ نقطه تحت نظارت ایران ایجاد کردند. مقامات ترکیه به روسیه و رژیم اسد هشدار دادند که هرگونه حمله به ادلب کل روند آستانه را باطل می‌کند. حضور ترکیه همچنین ارتش این کشور را در تماس مستقیم با مقامات محلی و جناح‌هایی قرار داد که آن را ضامن صلح در ادلب می‌دانستند. این امر اهرم فشار ترکیه و هماهنگی با مخالفان مسلح سوری را بهبود بخشید. در حالی که در اوایل ماه ژوئیه در حال مذاکره با گروه‌های ارتش آزاد سوریه در جنوب غربی سوریه بودند به شورشیان در حال تخلیه منطقه هشدار دادند که در ادلب مجدداً گروه‌بندی نشوند؛ زیرا این شهر هدف بعدی رژیم خواهد بود. با این حال، علیرغم برنامه‌های روسیه برای حمله به ادلب، حضور ارتش ترکیه در این منطقه مانع از انجام حمله‌ای می‌شود که می‌تواند منجر به درگیری بین متحدان ضعیف شود. اگرچه ترکیه انگیزه قوی برای حفظ حوزه نفوذ خود در این استان دارد، روسیه ممکن است بتواند از تهدید حملات هوایی برای تحت فشار گذاشتن ترکیه برای خروج یا تشدید مبارزه با گروه‌های افراطی مانند حیات تحریر الشام استفاده کند (Özkızılcık, 2018).

کاملاً واضح است که چگونه، ترکیه در عملیات‌های نظامی روسیه در سوریه در جبهه مخالفین قرار گرفته است و اهدافی را دنبال می‌کند. نظر مثبت چین به حضور نظامی روسیه در سوریه، اهداف حمایت و حضور نظامی ترکیه در سوریه را مورد حمله قرار می‌دهد. در حالی که چین متحد روسیه در بسیاری از امور بین‌المللی است؛ ولی به لحاظ نظامی بشار اسد را حمایت نکرد، اما سکوت چین درباره روس‌ها در سوریه و توجیه آن به عنوان یک اقدام بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم در تضاد با منافع منطقه‌ای ترکیه بوده است. بر اساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشایمر همه دولت‌ها از محیط خارجی خود آگاه بوده و برای تضمین بقا در این محیط به رفتارهای استراتژیک مناسب دست می‌زنند. همچنین آن‌ها به اولویت و رفتار دولت‌های دیگر توجه می‌کنند که این رفتارها چه تأثیری بر استراتژی آن‌ها برای بقا دارد. علاوه بر این، بازیگران بین‌المللی نه تنها به پیامدهای کوتاه مدت از رفتارهای استراتژیک توجه می‌کنند، بلکه نتایج بلند مدت حاصل از این کنش‌ها را هم در نظر می‌گیرند. رفتار ترکیه نشان می‌دهد که به هنگام حضور نظامی کشورهای دیگر در منطقه، باید دست به اقداماتی بزند و زمانی که دولت‌های بزرگی همچون چین و روسیه از اقدام نظامی به نفع بشار اسد در سوریه حمایت می‌کنند، باید خود نیز دست به اقدامی بزند تا نقش فعال خود در منطقه را استمرار و وسعت بخشد.

۹. اثرگذاری روابط چین و سوریه بر هیدروهمزومونی ترکیه

کشور هیدروهمزومون‌گرا در صدد است با تعیین میزان، زمان و چگونگی استفاده دیگران از منابع مشترک آبی، برتری طلبی خود را اعمال و بر سایر حوزه‌ها به عنوان یک بازیگر کلیدی در منطقه تسری دهد. اجرای پروژه‌هایی آبی مانند گاپ^۱ و داپ^۲ ترکیه را می‌توان از طرح‌های کلان آبی تلقی نمود که نه تنها تأثیر بسزایی بر شرایط اقلیمی و مناسبات آبی ترکیه و بخش‌های مهمی از منطقه خواهند داشت، بلکه آینده انواع معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترکیه با همسایگان و در منطقه خاورمیانه را را متحول خواهند نمود. (سرخیل، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۴).

ترکیه با اتخاذ سیاست هیدروهمزومون در بین‌النهرین، ضمن دستیابی به ابزارهای چانه‌زنی جدید، بخشی از پازل اصلی همزومنگرایی منطقه‌ای خود را در کنار برنامه‌هایی نظیر تبدیل شدن به هاب انرژی، قطب تولیدات فنی-تکنولوژیکی و همچنین مبدل شدن به مرکز تبادلات اصلی منطقه‌ای تکمیل نموده و فرصت خواهد یافت تنگناهای مختلف اقتصادی و سیاسی را در سایه چشم انداز نوین توسعه خود برطرف نماید (همان، ۱۱۹).

جنگ شوانگ، معاون نمایندگی دائم چین در سازمان ملل طی سخنانی در نشست شورای امنیت این سازمان با موضوع «سوریه»، ترکیه را «مسئول کاهش سطح آب در رود فرات و قطع آب در تاسیسات آب آلوک سوریه» دانست و به ترکیه برای «رعایت حقوق بشر در سوریه» هشدار داد. سینی‌لی‌اوغلو نیز در واکنش به این ادعاها تأکید کرد: ما از کسانی که حقوق بشر و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند درس نخواهیم گرفت. وی با یادآوری اینکه دلیل مشکلات در تاسیسات آب آلوک در گزارش دبیر کل این سازمان مطرح شده است، اشاره کرد که گروه تروریستی ی.پ.گ/پ.ک.ک و رژیم سوریه از این موضوع برای جاسوس‌های خود سوءاستفاده می‌کنند (خبرگزاری آنا، ۲۰۲۱).

واکنش چین درباره سدسازی‌های بی‌رویه ترکیه که اثرات منفی بر حیات سوریه می‌گذارند در تناقض با اهداف هیدروهمزومونی ترکیه در منطقه تاریخی بین‌النهرین است. با هیدروهمزومونی ترکیه در منطقه کلید معادلات سرزمین‌های این منطقه به دست ترکیه می‌افتد و واکنش مقامات پکن، نشانگر درک اهمیت این موضوع است. هرچند که مقامات آنکارا پاسخ پکن درباره انتقادات این کشور را دادند؛ اما این مسئله به خوبی نشان می‌دهد که ترکیه و چین درباره مسائل مرتبط با سوریه دارای چه تعارض منافی بوده و هستند.

1. GAP
2. DAP

۱۰. همکاری چین و سوریه در بنادر شرقی مدیترانه در تناقض و تضاد با منافع منطقه‌ای ترکیه

در این بخش اهمیت دریای مدیترانه در معادلات منطقه‌ای ترکیه و همچنین تأثیری که همکاری چین و سوریه در این بخش دارند بر منافع ترکیه سنجیده می‌شود.

۱۰-۱. دکترین «وطن آبی» و چرایی اهمیت مدیترانه در سیاست خارجی ترکیه

دکترین وطن آبی برای اولین بار در سمپوزیوم «دریای سیاه و امنیت دریایی» توسط دریاسالار «گم گوردنیز»^۱ در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ بیان شد و سپس توسط دریاسالار جیهاث یایاجی^۲ با ترسیم مرزهای آبهای سرزمینی، فلات قاره و انحصاری ترکیه تکمیل شد. هدف از این دکترین علاوه بر ترسیم آب‌های سرزمینی ترکیه، تعیین استراتژی ترکیه در سرزمین‌های دریایی و ایجاد مجتمع نظامی- صنعتی برای این استراتژی بود. دکترین میهن آبی در واقع در واکنش به محدودیت‌های تحمیلی معاهدات سور (۱۹۲۰) و لوزان (۱۹۲۳) است که ترکیه را از امتیازات وسیعی در دریای مدیترانه محروم ساخت (Gingeras, 2020).

اهمیت حوزه انرژی مدیترانه شرقی برای دولت ترکیه بی سابقه است. این از طریق اشکال مختلف سیاست مداخله جویانه ترکیه در این منطقه بیان می‌شود. کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ در ترکیه ضربه قاطعی بود که اوج بحران دولتی، تشدید تضادها درون بلوک قدرت و فرآیند دوقطبی‌شدن اجتماعی را نشان می‌داد. بنابراین ترکیه به دنبال یک بقا بود. ساخت ایدئولوژیک یک دشمن از منطقه‌ای که از سوریه شروع می‌شود و به مدیترانه شرقی می‌رسد، بقای ترکیه را تهدید می‌کند؛ به طور اجتناب‌ناپذیری تحت تأثیر قرار گرفته است. البته در کنار منافع سیاسی ناشی از توجه ویژه ترکیه به مدیترانه منافع اقتصادی نیز حائز اهمیت فراوانی برای این دولت بوده است. کشف هیدروکربن‌ها در مدیترانه شرقی به همراه تخمین مقادیر بالای گاز طبیعی سبب تجدید و توجه بیشتر ترک‌ها به این منطقه دریایی شد. دکترین میهن آبی جبهه جدیدی در دریای اژه و مدیترانه (همراه با سه جبهه دیگر در سوریه، لیبی و قره باغ) برای ترکیه گشوده است. تلاش اردوغان برای تبدیل دکترین سرزمین آبی به موضوع حاکمیت و افتخار، باعث شده است که افکار عمومی ترکیه از اجرای آن حمایت کنند (Namini mianji, 2020).

۱۰-۲. اهمیت مدیترانه برای چین از منظر اقتصادی و سیاسی

منطقه مدیترانه شرقی در محل تلاقی قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد. موقعیت مرکزی، منابع انرژی و لجستیک بین‌المللی عمده آن که از کانال سوئز می‌گذرد. این منطقه به‌عنوان نقطه تلاقی مسیرها به نقطه‌ای برای جذب قدرت‌های جهانی تبدیل شده است. ایالات متحده آمریکا،

1. Gem Gurdeniz

2. Cihat Yayaci

چین، روسیه و اتحادیه اروپا (قبلاً بریتانیا و فرانسه) به عنوان قدرت‌های مسلط در شرق مدیترانه شناخته می‌شوند (Sınır çebi, Kantar. 2021: 35-37).

در مورد چین که نفوذ خود را در بندر حیفا فلسطین از دست داده، تاکید شده که این کشور می‌خواهد سوریه را به مرکزی اساسی در شرق مدیترانه تبدیل کند و در بنادر لاذقیه و طرطوس سرمایه‌گذاری کند و به دنبال فرصتی برای سرمایه‌گذاری در بندر طرابلس لبنان باشد. چینی‌ها در پروژه‌های بازسازی هستند. کیانچین در بیانیه خود اعلام کرد که کشورش قصد دارد نقش بیشتری در توسعه و بازسازی سوریه پس از جنگ ایفا کند. رژیم اسد از طریق عماد مصطفی سفیر خود در پکن به دولت چین قول داد که پس از پایان جنگ به شرکت‌های چینی نقش مهمی در مرحله بازسازی سوریه بدهد (Orta Doğu, 2021).

به نظر می‌رسد که اسد احساس می‌کند که چین می‌تواند یک سوریه قابل دوام پس از جنگ را تحت حمایت او تضمین کند. بنابراین چین به دنبال سرمایه‌گذاری در بنادر لاذقیه و طرطوس سوریه است، بنابراین اگر نفوذ خود را در حیفا از دست بدهد، بیشتر به سمت سوریه نگاه خواهد کرد. در حالی که چین به بندر طرابلس در لبنان نیز نگاه می‌کند، سوریه بخش مرکزی اهرم فشار پکن بر شرق مدیترانه خواهد بود و به آن کمک می‌کند کانال سوئز را دور بزند و از ناوگان پنجم آمریکا پیشی بگیرد. در اکتبر ۲۰۱۸، چین ۸۰۰ ژنراتور برق را به بندر لاذقیه سوریه ارائه کرد و نشان داد که آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری در آنجا نشان می‌دهد (Fenton-Harvey, 2020). دریای مدیترانه اخیراً از نظر فعالیت‌های اکتشاف و اکتشاف هیدروکربن و موضوع لیبی در دستور کار قدرتهای جهانی و منطقه‌ای قرار گرفته است. در کنار بعد انرژی-اقتصادی موضوع، بعد نظامی-امنیتی نیز به شدت مورد بحث قرار می‌گیرد. هم بازیگران منطقه‌ای و هم جهانی به ویژه ترکیه منافع در این منطقه دارند. این وضعیت منافع متضاد و همچنین معادلاتی را آشکار می‌کند که در آن منافع بازیگران مختلف مشابه است. چین نیز بازیگری است که باید از نظر ظرفیت معادلات منطقه‌ای در مدیترانه برای تأثیرگذاری بر سیاست جهانی، با سرمایه‌گذاری‌ها و ابتکاراتش در مدیترانه، منافعش و چالش‌های احتمالی که ممکن است با آن مواجه شود به دقت رصد شود (Emre koç, 2020).

افزایش نیروی دریایی که در مناطق دریای مدیترانه و دریای سرخ مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده فرصت‌های بیشتر برای تعامل و تعاملات مشترک بین روسیه، چین و سایر ناوگان دریایی منطقه است. در یکی از رویدادهای سال ۲۰۱۲، هرچند ادعایی، برخی گمانه‌زنی کردند که کشتی‌های نیروی دریایی چین به کشتی‌های روسی که در نزدیکی سوریه فعالیت می‌کردند کمک کرده‌اند. همان‌طور که در یکی از اسناد گزارش شده است: «در ژوئیه و اوت ۲۰۱۲، کشتی‌های جنگی

چین از کانال سوئز عبور کردند و وارد دریای مدیترانه شدند و هم‌زمان روسیه ناوگان دریایی خود را به طرطوس در سوریه اعزام کرد» (Gresh, 2020).

حضور اقتصادی و حتی نظامی چین به‌عنوان یک قدرت جهانی در منطقه مدیترانه شرقی از طریق ارتباط مؤثر با دولت‌های مدیترانه شرقی از جمله سوریه در تضاد با منافع و دکترین‌های منطقه‌ای ترکیه برآورد و قلمداد می‌شود. با اهمیت یافتن مدیترانه برای دولت‌های بزرگی همچون چین، منافع منطقه‌ای دولت‌های مدیترانه شرقی از جمله ترکیه به خطر افتاد. همکاری چین و سوریه در بنادر مدیترانه‌ای سوریه و همچنین سکوت چین درباره برنامه‌های روسیه در مدیترانه از جمله مواردی است که منافع ترکیه را با چالش مواجه کرده و در آینده نیز چالش‌ها را بیشتر خواهد کرد. همچنین ترکیه به‌عنوان عضو ناتو در منطقه مدیترانه با خطرات کشورهایی (چین و روسیه از طریق ارتباط مؤثر با سوریه و حمایت از بشار اسد) مواجه است که علناً با مشی و استراتژی ناتو مخالف و تهدیدی بزرگ برای این پیمان دفاعی غربی هستند.



نتیجه‌گیری

پس از شروع تحولات بهار عربی در منطقه خاورمیانه عربی، دولت سوریه که دستخوش بحران و اعتراضات مردمی شده بود، توسط چین به شکل گوناگون مورد حمایت‌های سیاسی قرار گرفت. در این میان، ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو بود که در صف مخالفین دولت بشار اسد قرار گرفت. چین علی‌رغم اینکه از سوریه حمایت نظامی نکرد، اما از عملیات نظامی روسیه و ایران در خاک سوریه حمایت سیاسی و آن را برای مبارزه با تروریسم ضروری دانست. بنابراین در شرایطی که چینی‌ها از حامیان اسد حمایت می‌کردند، با منافع ترکیه که از مخالفین اسد بود به تعارض برخاستند. حمایت چین از بشار اسد در کنار استفاده ترکیه از اویغورهای جدایی‌طلب چینی علیه دولت سوریه، موجب تنش‌های لفظی میان پکن و آنکارا شد. آنچه که ترکیه از بحران سوریه و به نفع منافع منطقه‌ای خود می‌دید، توسط ممانعت چین از سقوط حکومت بشار اسد، نابود گردید و ترکیه را با چالش‌های جدی در اهداف منطقه‌ای خود و مسئله بقا که در نظریه رئالیسم تهاجمی جان مرشایمر مطرح است، مواجه ساخت. چین با وتوی قطعنامه‌هایی که علیه سوریه توسط اعضای ناتو (مخالفین اسد و در هماهنگی با سیاست‌های ترکیه) وضع می‌شد، آمال ترکیه در بحران سوریه را خنثی کرد. حضور اقتصادی، تجاری و زیرساختی چین در سوریه پسا بحران، انتقاد پکن به هیدروژمونی ترکیه در منطقه پیرامونی خود، علاوه بر تقویت حکومت بشار اسد که همسایه ترکیه است؛ منجر به حضور و نفوذ چین در خاورمیانه شده و منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی ترکیه در منطقه را با چالش مواجه ساخته است. همچنین سرمایه‌گذاری چین در بنادر مدیترانه‌ای سوریه دقیقاً در جایی که دکتترین میهن آبی ترکیه آن را یک وطن و خانه می‌داند، ترکیه را متوجه تهدیدها و چالش‌های حضور چین در منطقه می‌کند. در نتیجه، چین با درک اهمیت خاورمیانه و لزوم ورود به مسائل بحرانی آن از جمله بحران سوریه در سال‌های مدنظر پژوهش، با تقویت ارتباط خود با دولت سوریه و ممانعت از سقوط بشار اسد، قدرت و منافع منطقه‌ای ترکیه را با خطر مواجه کرده است. نکته دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که چین با حضور و نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در منطقه غرب آسیا، حساسیت کشورهای دایره‌دار ژمونی و برتری قدرت در منطقه هستند را برمی‌انگیزد و کشور ترکیه یکی از آن کشورهاست. از منظر واقعگرایی تهاجمی، دولتها نسبت به نیات و انگیزه‌های سایر دولتها بدبین هستند و اقدامات آنها در منطقه خود را با دقت رصد و در اکثر مواقع منافی امنیت و بقای خویش می‌بینند. بدین ترتیب، حمایت سیاسی چین از دولت بشار اسد و عملیات نظامی روسیه در سوریه که در مرزهای سرزمینی ترکیه قرار داشت در تعارض با منافع منطقه‌ای و همچنین امنیت ترکیه قلمداد می‌شود.

کتابنامه

امیدی، علی و رشیدی، مهرداد (۱۳۹۲) بازنمایی تحولات سوریه در شبکه الجزیره. *فصلنامه مطالعات فرهنگی*، ۱۴ (۲۴): ۱۳۹-۱۶۱

حیدرزاده، طاهر و حاجی‌مینه، رحمت و شفیعی، نوذر (۱۳۹۹) تبیین روابط روسیه و ترکیه در بحران سوریه از منظر چشم‌انداز رئالیسم مشروط. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۹ (۳۴): ۱۸۹-۲۱۸

خبرگزاری آنا تولی (۲۰۲۱)، «واکنش سینیرلی‌اوغلو به ادعاهای چین درباره حضور ترکیه در سوریه»

<https://www.aa.com.tr/fa/%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87/%D9%88%>

سرخیل، بهنام (۱۴۰۰) آب و راهبرد هیدروهمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین. *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۱ (۴۱): ۹۷-۱۲۵

عبادی، مریم و مولایی، یوسف (۱۳۹۸) ناتو و بحران سوریه: مدیریت بحران یا عدم‌مداخله. *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی*، ۳ (۹): ۹۳-۱۱۳

فلاحی، احسان و شفیعی، نوذر (۱۳۹۸) رویکرد چین در بحران سوریه و جایگاه احتمالی آن در سوریه پس‌ابحران. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۸ (۳۱): ۱۶۷-۲۰۰

References

- Akçay, Nurettin (2021) Amid Tensions With Turkey, China Is Putting the Kurdish Issue in Play. *The Diplomat*. <https://thediplomat.com/2021/12/amid-tensions-with-turkey-china-is-putting-the-kurdish-issue-in-play/>
- Akil, samy, Shaar, Karam (2021) The Red Dragon in the Land of Jasmine: An Overview of China's Role in the Syrian Conflict. Operations and policy centers. *The Red Dragon in the Land of Jasmine: An Overview of China's Role in the Syrian Conflict*
- AL Kanj, sultan (2019) Reviewing the Turkey-HTS Relationship. Chatham House. <https://syria.chathamhouse.org/research/reviewing-the-turkey-hts-relationship>
- Anatolia News Agency (2021), "Sinirlioglu's reaction to China's claims about Turkey's presence in Syria" <https://www.aa.com.tr/fa/%D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB%8C%D9%87/%D9%88%> (in Persian)
- Bachelor, J, H (2016). "China and the issue of Uyghur Muslims", *Journal of Chinese security policy* 10 (Winter 2016) 71.
- Balcı, Bayram (2012) Turkey's Relations with the Syrian Opposition. *carnegieendowment* <https://carnegieendowment.org/2012/04/13/turkey-s-relations-with-syrian-opposition-pub-47841>

- BBC News (2017) Syria war: Russia and China veto sanctions. <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-39116854>
- Burton, Guy & Others (2021) China and the Reconstruction of Syria, the middle east journal 75 (1): 55-57. https://www.researchgate.net/publication/351394808_China_and_the_Reconstruction_of_Syria
- Chen, Yang (2020) Developments in china – turkey relations: a view from china, critical sociology.
- Classer, A, E (2010). "aggressive realism", International Affairs and Global Strategy, 153.
- Conradis, Brandon (2015) Turkmens: an ethnic group at the center of the Syrian conflict. DW. <https://www.dw.com/en/turkmens-an-ethnic-group-at-the-center-of-the-syrian-conflict/a-18876277>
- Dreama, James (2015). "The security of the Uyghurs", Foreign policy quarterly 41, 25.
- Ebadi, Maryam, Molai, Yusof (2019) NATO and the Syrian crisis: crisis management or non-intervention. International Organizations Quarterly, No. (9) (3) 93-113 (in Persian)
- Emre koç, yusuf (2020).China's Presence in the Mediterranean: Port Investments and Naval Exercise. . kriterdergi<https://kriterdergi.com/dis-politika/cinin-akdenizdeki-varligi-liman-yatirimlari-ve-deniz-tatbikatlari> (in Turkish)
- Fallahi, Ehsan & Shafiee, Nozar China Approach in Syria Crisis and its Probabilistic Position at Post Crisis Era. POLITICAL STRATEGIC STUDIES, 8(31 (61)), 157-190. SID. <https://sid.ir/paper/956502/en> (in Persian)
- Fenton-Harvey, Jonathan (2020) China shows greater interest in Syria amid pandemic, US tensions. Al-Manitor. <https://www.al-monitor.com/originals/2020/06/china-invest-syria-assad-reconstruction-us-tension.html>
- Gideon, Jerry (2010). "War of powers", International Affairs and Global Strategy, 144.
- Gingeras, Ryan (2020), BLUE HOMELAND: THE HEATED POLITICS BEHIND TURKEY'S NEW MARITIME STRATEGY. Waronrocks. <https://warontherocks.com/2020/06/blue-homeland-the-heated-politics-behind-turkeys-new-maritime-strategy/>
- Gresh, Geoffrey (2020).to Rule Eurasia's Waves: The New Great Power Competition at Sea. Books google. https://books.google.com/books?id=4osAEAAAQBAJ&pg=PA105&lpg=PA105&dq=The+Chinese+warship+anchored+in+Tartus,+Syria.&source=bl&ots=b0JfYhh1wA&sig=ACfU3U34yIH1T3AwO_ymDCIfja_mCyd0ww&hl=en&sa=X&ved=2ahUKEwis1KrRpP35AhUfhf0HHXt8BBAQ6AF6BAghEAM

- Heidarzadeh, Taher & Others (2021) Explaining Russia-Turkey Relations in the Syrian Crisis from the perspective of contingent realism. Volume 9, Issue 4 - Serial Number 34 January 2021 Pages 189-218 (in Persian)
- Lin, Christina (2015) Chinese General: Anti-Chinese Uyghurs are in Syria's Anti-Assad Force. https://www.files.ethz.ch/isn/191076/353_Lin.pdf
- Lobell, Jack (2015). "International theories", International Security 32, no. 1 (Summer 2015): 18.
- Namini Mianji, Jaleleddin (2020), The Blue Homeland Doctrine of Turkey. IPIS. <https://ipis.ir/en/subjectview/619031/The-Blue-Homeland-Doctrine-of-Turkey>
- NPsyria (2021) Turkey Accused Of Settling Uyghurs In Syrian Kurdish Cities. <https://npasyria.com/en/54093/>
- Omidi, Ali & Rashidi, Mehrdad (2014) The Role of Aljazeera in Framing of Syrian Crisis (2011-2013) Volume 14, Issue 24 - Serial Number 56 March 2014 Pages 139-161 (in Persian)
- Orta Doğu (2021). China sets its sights on Syrian ports to increase its influence in the Eastern Mediterranean. <https://www.ortadoguhaber.com/haberler/cin-dogu-akdeniz-e-nufuzunu-artirmak-icin-gozunu-suriye-limanlarina-dikti> (In turkish)
- Özkizilçik, ömer (2018). In Idlib, Turkey could deter Russian airstrikes and ensure the region remains out of the Syrian regime's control by going after extremist groups. Carnegieendowment. <https://carnegieendowment.org/sada/76999>
- Ramani, Logan (2016). "Chinas political support for Bashar Assad", Journal of west Asian studies, (September 2016): 20.
- Sarkheil, Behnam (2021) Water and the strategy of Turkish hydro-hegemony in Mesopotamia. Volume 11, Issue 2 - Serial Number 41 July 2021 Pages 97-125 (in Persian)
- Shichor, Yitzhak (2021) CHINA'S KURDISH POLICY. KCCRC. <https://www.kurdistan.com/en/details.aspx?jmare=1110>
- shipping, J, L (2010). "Neorealism and john Mearsheimer", World Economy, 178.
- Sınır Çebi, gizmen & Kantar, Gökmen (2021). China's Increasing Role in the Eastern Mediterranean. Journal of strategic and social research. (In Turkish)
- Tashphinar, Omer (2012) Turkey's strategic vision and Syria, The Washington quarterly 35 (3), 127-140
- Tass (2015) China supports Russia's actions in Syria — foreign ministry. Tass Russian news agency. <https://tass.com/world/841546>
- The Associated press (2012) Turkey hosts meeting of nations to back Syrian opposition, increase pressure on Assad. Yahoo News. <https://news.yahoo.com/turkey-hosts-meeting-nations-back-syrian-opposition-increase-061015319.html>
- The Guardian (2017) Russia and China veto UN resolution to impose sanctions on Syria. <https://www.theguardian.com/world/2017/mar/01/russia-and-china-veto-un-resolution-to-impose-sanctions-on-syria>

Toksabay, Ece, Sezer, Can(2012) Turkey says assad's forces committing war crimes. Reters. <https://www.reuters.com/article/us-syria-turkey-idUSTRE8220EH20120303>

Zenn, Jacob (2013) China Claims Uyghur Militants Trained in Syria; Terrorism Monitor Volume: 11 Issue: 14. Ecoi.net. <https://www.ecoi.net/de/dokument/1241201.html>

Türkçe kaynaklar

Emre koç, yusuf (2020). Çin'in Akdeniz'deki Varlığı: Liman Yatırımları ve Deniz Tatbikatları. [kriterdergihttps://kriterdergi.com/dis-politika/cinin-akdenizdeki-varligi-liman-yatirimlari-ve-deniz-tatbikatlari](https://kriterdergi.com/dis-politika/cinin-akdenizdeki-varligi-liman-yatirimlari-ve-deniz-tatbikatlari)

Orta Doğu (2021). Çin, Doğu Akdeniz'de nüfuzunu artırmak için gözünü Suriye limanlarına dikti . <https://www.ortadoguhaber.com/haberler/cin-dogu-akdeniz-e-nufuzunu-artirmak-icin-gozunu-suriye-limanlarina-dikti>.

Sınır Çebi, gizmen & Kantar, Gökmen (2021). Çin'in Doğu Akdeniz'deki Artan RoLlü. Stratejik ve sosyal araştırmalar Dergisi. <https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/1521519>.